

نابخشوده

www.ketab.ir

طاهره آشوری

|                     |                              |
|---------------------|------------------------------|
| سرشناسه             | : - آشوری، طاهره، ۱۳۳۹       |
| عنوان و نام پدیدآور | : نایخشوده / طاهره آشوری     |
| مشخصات نشر          | : تهران: نوید پارسیان، ۱۳۹۱. |
| مشخصات ظاهری        | : ۷۲ ص.                      |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۳۵-۱-۷          |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیبا                       |
| موضوع               | : داستان‌های فارسی — قرن ۱۴  |
| رده‌بندی کنگره      | : ۱۳۹۱ ن۲۹۵/ش ۷۹۲۹ PIR       |
| رده‌بندی دیویی      | : ۸ ق ۳/۶۲                   |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۰۴۹۱۱۲                    |

## نایخشوده

### طاهره آشوری

ناشر: نوید پارسیان

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: طرح و نشر هامون

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲

چاپ: هما

صحافی: دلشاد

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۳۵-۱-۷

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

آدرس پخش: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، نبش خیابان شهدای ژاندارمری پلاک ۱۳۳۳

پخش نوید پارسیان، تلفن: ۶۶۴۹۷۰۳۹ همراه: ۰۹۳۷-۸۳۰۱۷۷۱

## به نام خدا

### مقدمه

سالیان دراز است که فریادم را در سینه مجروح و  
قلب زخم دیده‌ام از خود و بیگانگان محفوظ داشته‌ام.  
روزگاری فکر می‌کردم یتیم بودن یک قصه یا افسانه  
است تا اینکه چرخ گردون مرا از مهر پدر و مادر در  
عنقوان نوجوانی محروم کرد. یتیمی را لمس کردم،  
خویشان نیز با من بیگانه گشتند.  
چه شب‌هایی که از خواب برمی‌خاستم ولی دست

نوازشی وجود نداشت که آن‌ها را لمس کنم. از تاریکی و  
تنهایی می‌ترسیدم. آغوش گرمی نبود که به من پناه دهد.  
من آه صبحگاهم که از سینه‌ی پر از سوزم سرچشمه  
می‌گیرد.

همراه نسیم سجری به جستجوی قلب‌ها و وجدان‌های  
بیدار می‌رفتم، آنقدر خسته می‌شدم که از پای می‌افتادم  
و به قطره اشکی مایل می‌گشتم و به صورت شب‌نمی در  
دامن برگی سقوط می‌کردم.

من کودک یتیمی بودم که با دل شکسته‌ام در  
جستجوی پدر و مادر به هر سو می‌دویدم و هر چه  
بیشتر می‌دویدم، کمتر می‌یافتم.

چون خود طعم یتیمی را چشیده بودم، آرزوی مادر

شدن را زیر پاهایم گذاشتم که مبادا کودکی که از من  
متولد می‌شود روزی چون من یتیم شود و رنج‌های من  
برای او تکرار گردد.

همیشه از خداوند خواهان این بودم که قلم را در  
دستم روان گرداند و کلمات و جملات را در وجودم  
جاری سازد که بتوانم خاطرات زندگی‌ام را بنویسم و  
رنج‌ها و ستم‌هایی که بر من و بر خانواده‌ام روا شده  
بود را بیان کنم.